

جناب پهلوی، توهین به مردم آزادبخوه ایران موقوف!

خالد حاج محمدی



آقای پهلوی چون همیشه با ادعاهای ریاکارانه «دفاع» از مردم ایران، با قسم خوردن به ارزشهای لیبرالیسم و دموکراسی غربی، دولتهای غربی را نصیحت کرده که به اندازه کافی علیه جمهوری اسلامی قاطعیت به خرج نمیدهند. رضا پهلوی اکنون در دل یکی از خونبارترین نسل کشی های تاریخ سرمایه داری که توسط دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین اعمال میشود، در کنار نتانیاهو و همراهان فاشیست وی، به نام «مبارزه» با جمهوری اسلامی و به عنوان کدخدای خودگمارده «مردم ایران»، با پرچم «ضد تروریسم» برای تحریک دول غربی جهت اقدام «قاطع تر» علیه ایران وارد میدان شده است. خواست اقدام قاطع تر رضا پهلوی علیه جمهوری اسلامی، زمانی که اسرائیل در فلسطین دریای خون راه انداخته است، زمانی که منطقه به یک مپ ساعتی تبدیل شده است و همه نگران جنگی ویرانگر در منطقه هستند، زمانی که دولت آمریکا علیرغم فضای ترور و تحریک جنگی اسرائیل، اعلام حمایت کامل از فاشستهای حاکم بر اسرائیل کرده است، نمیتواند چیزی جز خواست حمله به ایران تعبیر شود. آقای پهلوی همراه و در کنار باند فاشسیت و جنگ طلب اسرائیل نشسته است.

این در شرایطی است که دامنه و سطح توحش اسرائیل علیه مردم فلسطین چنان بی رحمانه و شرم آور است که نه تنها مردم متمدن جهان که بعلاوه همه نهادهایی که ... صفحه ۲

یک خیر مقدم برای معدنچیان «انجیرک تفتان»

مصطفی اسدیپور

دوم مرداد ماه با افتتاح بهره برداری از معادن طلای تفتان در منطقه خاش از استان سیستان و بلوچستان رویای طبقه حاکم در ایران به تحقق پیوست. بیش از بیست سال انتظار و مقدمه چینی به سر میرسد. اعتراض و مقاومت مردم ساکن مناطق تحت پوشش معادن دال بر مخاطرات شیمیایی و جغرافیایی برای محیط زیست پس زده شد و شرکت «توسعه معادن پارس» ادامه پروژه عظیم تولید شمش طلای تفتان را بعهده گرفت. ... صفحه ۳

«اعتراضات» یا تحریکات نژادپرستانه در انگلستان!

اطلاعیه تشکیلات خارج حزب حکمتیست (خط رسمی) - واحد لندن

در بنگلادش چه خبر است؟

امان کفا



دوشنبه این هفته، بدنمال تظاهرات های گسترده و اعتراضاتی که در سراسر بنگلادش برآه افتاد، بالاخره، شیخ هسینا، بعد از دو دهه، از پست نخست وزیری خود استعفا داد و با هلیکوپتر ارتش به هندوستان گریخت.

اعتراضات اخیر که در دانشگاه ها شکل گرفته بود، علیه تصمیم دولت مبنی بر افزایش درصد واجدین شرایط برای شغل های دولتی به نفع به اصطلاح «خودی» ها بود. شدت این اعتراض و تظاهرات ها در مدت کوتاهی سراسر دانشگاه های بنگلادش را در بر گرفت و دستگاه های سرکوب پلیسی به زد و خورد با دانشجویان و کشته و مجروح شدن هزاران نفر را بدنمال داشت. گرچه دولت شیخ هسینا در پایان مجبور به عقب نشینی و لغو این تصمیم خود گرفت ولی اعتراضات نه تنها کاهش نیافت بلکه توده ای تر و علیه کل دولت شد.

در طی این مدت تمامی مراجع خبری میدیای رسمی بخصوص در غرب اوضاع اعتراضی در بنگلادش را تنها به اعتراض دانشجویان محدود کردند و چنین وانمود می کردند که گویا کل این جامعه ۱۷۰ میلیونی در سکوت است و فقط دانشجویان، و آنهم حول یک خواسته دست به اعتراض زده اند، در صورتیکه این اعتراضات نه یکباره، بلکه در ادامه موج اعتراضی بود که در سراسر بنگلادش مدتی است که در جریان است. برای نمونه در کشوری که دومین بزرگترین کشور صادر کننده پوشاک و دوزندگی (پس از چین) است بدنمال اعتصاب وسیعی که ۶۰۰ کارگاه و کارخانه را در بر گرفت، ۱۰ ماه پیش دولت مجبور شد که به افزایش حداقل دستمزد (تا ۵۶٪) رضایت دهد. افزایشی که با تورم و دستمزدهای پایین، هنوز کفاف زندگی کارگران را نداد و اعتراضات همه جا از سرگرفته شد.

در عرض سال گذشته، اعتراضات فراگیری در میان کارگران بخصوص در صنایع ریسندگی ادامه داشته است. حدود ۶۰ میلیون کارگر در این بخش کار می کنند و طبق آمار موجود، حدود ۸۵٪ آنان قراردادهای رسمی ندارند. تقریباً ۹۵٪ کل زنان کارگر این کشور، شغل های غیر رسمی دارند.

... صفحه ۳

هیئت حاکمه آمریکا هژمونی مطلق بر آنها ندارند، از سازمان ملل، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، امنستی، آنروا و... اسرائیل را به عنوان دولتی که نسل کشی و جنایت جنگی مرتکب شده است معرفی میکنند. تنها مانع تنبیه اسرائیل به جرم جنایات گسترده جنگی و نسل کشی، قدرت میلیتاریسم غرب و زبان زور و میلیتاریستی دولت آمریکا است.

اینجا برای دیدن اظهارات تمام قدر رهبر طیف سلطنت طلب که لباس لیبرالیسم و دموکراسی به تن کرده است، تکه هایی از مجموعه پیامها و مصاحبه ها و تویتهای مختلف رضا پهلوی را که در همین مدت که نوار غزه و مردمش با خاک یکسان شده اند را می بینیم.

«اسماعیل هنیه اساسا هرگز نباید قدم به خاک ایران می گذاشت. حضور او در ایران، توهینی به کشور و ملت ما بود. هزینه تروریسم این ابرجنایتکار علیه اسرائیلیها و فلسطینیهای بی گناه از پول مردم ایران و برخلاف خواست و منافع آنها تأمین می شد.»

«تلاش جمهوری اسلامی برای ترور رئیس جمهور ترامپ، تعجب آور نیست. من مدتهاست در مورد فعالیت های رژیم در خاک ایالات متحده هشدار داده ام. بیانیه ای اخیر «اداره کننده اطلاعات ملی آمریکا» نیز تأیید می کند که این رژیم اسلام گرا، یک قدرت تجدیدنظرطلب است که فعالانه، آمریکا و دموکراسی آن را تهدید می کند.»

«سالهاست که گفته ام سرنوشت مردم ایران و اسرائیل به شکل یگانه ای به هم تنیده است. ما رویای مشترکی برای صلح داریم که یک دشمن مشترک آن را از ما گرفته است: رژیم جمهوری اسلامی.»

«رضا پهلوی در گفتگو که خبرگزاری «جی ان اس» خطاب به یهودیان سراسر جهان گفت: «اولین پیام به آن دسته از ما که همفکرند این است که بدانیم یک دشمن مشترک داریم و یک تهدید مشترک. و این یک تهدید جدی است. دشمن، رژیم اسلامی در ایران، تا آنجا که بتواند به انجام اعمال شیطان خود ادامه می دهد.»

«پیام رضا پهلوی به تجمع مشترک هواداران دولت اسرائیل، دولت اوکراین و سلطنت پهلوی در مقابل ساختمان نخست وزیری بریتانیا در لندن: خانم ها و آقایان، من شما را به خاطر جبهه متحد و چشمگیری که امروز در لندن به نمایش گذاشته اید، تحسین می کنم. هرگز زمانی حساس تر از این برای ایجاد چنین جبهه ای وجود نداشته، چرا که اکنون جهان مورد حمله یک دشمن مشترک قرار گرفته است.»

افاضات رضا پهلوی «علیه جمهوری اسلامی» و اعلام مخالفت با آن خطاب به مردم ایران و پز «هایندگی» آنان، توهین به شعور این مردم است. مردم ایران احتیاجی به ارشاد و تبلیغات سطحی جناب پهلوی ندارند و ۴۵ سال است علیه جمهوری اسلامی در همه میدانها در جدالند. مردم ایران با اتکا به نیروی خود، با اتکا به تجربه تاریخی خود از انقلاب مشروطه و سرانجام انقلاب ۵۷ علیه سلطنت، میکوشند کل این نظام با دستگاه سرکوب و قانون و سنت و فرهنگش را سرنگون کنند و جامعه ای انسانی و آزاد را جایگزین آن کنند، چیزی که در سال ۵۷ به همت دولتهای غربی در حمایت از ارتجاع اسلامی، به نتیجه نرسید و انقلابشان در نیمه راه شکست خورد.

دشمنی مردم ایران با جمهوری اسلامی، با ستم و بردگی و بی حقوقی، با زن ستیزی و قوانین ارتجاعی اسلامی، از جنس دشمنی آقای پهلوی نیست. مردم ایران آگاهند که ارتجاع سلطنتی فاصله ای با ارتجاع اسلامی ندارد و هوشیارانه میکوشند سیر سرنگونی جمهوری اسلامی به شیوه ای انقلابی و عمیق پیش برود که جایی برای موج سواری ارتجاع دیگری بر سرنوشت آنها را ندهد، چیزی که کل ارتجاع در منطقه و از جمله اپوزیسیون راست پرو اسرائیلی ایران را نگران کرده است.

مستقل از ماهیت ارتجاعی جمهوری اسلامی، رضا پهلوی در دل کشتار و جنایت و نسل کشی اسرائیل علیه مردم فلسطین، با مخفی شدن زیر چتر «مخالف» جمهوری اسلامی، در کنار نتانیاهو و هیئت حاکمه فاشیست اسرائیل ایستاده است. ترور اسماعیل هنیه در ایران مستقل از هر ارزیابی از حماس، تلاش برای دامن زدن به آتش جنگی وسیع تر در منطقه و از

جمله کشاندن پای ناتو و متحدین اسرائیل به ایران است. ترور هنیه تلاشی آگاهانه از جانب اسرائیل برای بستن هر کورسویی از امید به پایان جنگ در فلسطین، به پایان قتل عام و کشتار دسته جمعی چند میلیون انسان فلسطینی توسط اسرائیل است. قاعدتا شعور آقای پهلوی اینقدر قد میدهد که اینها را بفهمد، چیزی که حتی دولتهای غربی متحد اسرائیل، از مخاطرات آن نگرانند. چنین جنگی اگر صورت بگیرد، مردم منطقه و از جمله مردم ایران تاوانش را میدهند، چیزی که دولت اسرائیل برای نجات خود از استیصال و بن بست، آرزویش را میکند و هوادارانش در جریان سلطنت طلب و «شاهزاده شان» برایش هورا میکشند.

آقای پهلوی پس و پیش حرفهای خود را نمیداند، تمام جنایات اسرائیل و از جمله کشتار مردم فلسطین و راه انداختن حمام خون را با رندی و در کمال وقاحت به پای حماس نوشته و اسرائیل ظاهرا در این میان از قربانیان جنایتش بی گناه تر است. این درجه از گستاخی را رضا پهلوی میخواهد به مردم ایران بفروشد! واقعا بی شرمی هم حدی دارد! رضا پهلوی زمانی چنین گستاخانه از اسرائیل و جنایاتش با توجیه مقابله با جمهوری اسلامی کفش و کلاه کرده است که صدها میلیون انسان بطور فعال روزانه در سراسر جهان علیه کشتار و توحش اسرائیل و علیه هواداران و حامیان آن در میان دولتهای غربی، تجمع و تظاهرات میکنند و خواهان محاکمه سران اسرائیل به جرم جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی هستند. این مردم انسان دوست و صلح طلب خواهان محاکمه رؤسای دولتهای غربی به عنوان شریک جرم و حامی اسرائیل، و به عنوان جنایتکار جنگی هستند. رضا پهلوی از فرط استیصال در این اوضاع در کمال وقاحت اتحاد و دوستی مردم ایران با دولت فاشیست اسرائیل را با توجیه مخالفت با جمهوری اسلامی بیان میکند. ایشان هم مثل بسیاری از فاشیستهای جهان لباس یهودیت پوشیده است تا دل سکتتهای فاشیست و صهیونیست اسرائیلی را بدست آورد. واقعا مبارکشان باد! از شما و فرقه فاشیست همراهتان انتظار بیشتری نیست.

هواداران سلطنت و افسار گسیخته های فاشیست آنها از به اصطلاح شخصیتهای پروپاقرص «شاهزاد»، زمانی که غزه با خاک یکسان میشد با خوشحالی اعلام میکردند که «غزه پودر شد» و بعد از ترور هنیه و کشمکشهای کنونی گفته اند سرنوشت خامنه ای مانند صدام خواهد شد و حمله به عراق و کشتار یک میلیون انسان و ویرانی یک مملکت را توسط بمبهای آمریکایی و تکرار آنرا توسط اسرائیل و ناتو در ایران نوید میدهند. زمانی که ساختمانهای مسکونی در غزه با بمب و توپ و تانک از زمین هوا مورد حمله قرار میگرفت و بر سر مردم محروم فرو میریخت، سربازان اسرائیل مراسم شادی و پایکوبی راه می انداختند و هواداران پروپاقرص پهلوی در کمال بی شرمی اعلام می کردند، «نوش جانتان».

آقای پهلوی و همراهانش باید بدانند، برای مردم آزادیخواه در ایران، نفس مخالفت با جمهوری اسلامی سرسوزنی بیان نزدیکی به امیال انسانی آنها نیست، همچنانکه نفس مخالفت با سلطنت پهلوی بیان دفاع از منافع آنها نبود. برای مردم آزادیخواه و برابر طلب در ایران خامنه ای و نتانیاهو و سران دول غربی و ...، جملگی از جنایتکاران تاریخ و دشمنان قسم خورده آنان هستند و خواست سرنگونی جمهوری اسلامی برخلاف آرزوی «شاهزاد» و ابدن الوقت های همراهش، تأییدی بر جنایات دولت اسرائیل و دوستی با هارتزین، تروریست ترین حاکمیت تاریخ بشر نیست. مردم ایران حامی مردم محروم فلسطین هستند، مردم ایران دشمنی با مردم اسرائیل ندارند، مردم آزادیخواه در ایران حامیان راستین صلح و امنیت و پایان توحش و جنایت و کشتار اسرائیل در فلسطین هستند. اگر سوء استفاده جمهوری اسلامی و ارتجاع منطقه از جنایات دولت اسرائیل و آویزان شدن آنها به محنت و مرارت های مردم فلسطین، ناشی از سطح توحش دولت اسرائیل و میلیتاریسم غرب است، اما تلاش فرصت طلبان و شبه فاشیستها برای کوبیدن مهر فاشیسم به مبارزات برحق مردم آزادیخواه ایران علیه جمهوری اسلامی پوچ است.

پیوستگی و هم جنس بودن طیف سلطنت طلب و حاکمان بر اسرائیل امری واضح است. اما فروش این پیوند نامبارک به نام همبستگی با مبارزات مردم ایران، شیادی سیاسی است و بعلاوه سطح شعور صاحبش را می رساند. اظهارات جناب پهلوی اگر جمع هواداران فاشیست و احمق اش را به وجد می آورد، در میان مردم آزادیخواه ایران و هر جامعه متمدنی، جز نفرت و بیزاری از صاحبش، نتیجه ای ندارد. آقای پهلوی باید بفهمند که شعور مردم ایران بالاتر از اینها است! ایشان باید یاد بگیرد که توهین به مردم آزادیخواه ایران، ممنوع است.

این آمار، تنها گوشه ای از نیروی کار در این کشور را بیان می کند. کارگران در بسیاری از کارگاه ها و صنایع دیگر، موقعیت مشابهی دارند. تلفات مداوم کارگران در محیط های کار، عدم وجود حداقل های ایمنی کار، کار کودکان و ... از جمله مسائلی هستند که کارگران علیه آن دست به اعتراض و اعتصاب زدند. اما با هر اعتصاب کارگری، کارفرما از کارگران به جرم «اخلال در تولید» «خرابکاری» و «بهم زدن نظم» به دادگاه شکایت می کنند و دولت و دستگاه قضایی هم، کارگران را محکوم می کند، جریمه های نقدی و بیکاری های دستجمعی را به رسمیت می شناسد. دست کارفرما به حدی باز است که حتی نیاز به نام بردن تمامی کارگران «مجرم» ندارد، و فقط نام تعداد انگشت شماری از فعالین و رهبران مبارز کارگری را ارائه می کند و دادگاه حکم جنایی خود را برای مثلاً ۵ کارگر (با نام و نشان) و هزار کارگر دیگر (بدون نام و نشان) می دهد! در سال گذشته، موج فزاینده ای از اعتراضات و اعتصابات در صنایع گوناگون علیه این قوانین غیر انسانی، علیه دستمزدهای پایین، قراردادهای غیر رسمی، و عدم ایمنی کار و غیره در مراکز گوناگون کار در بنگلادش به شدت افزایش یافت. اخبار این اعتراضات به همراه خود با اعلام همبستگی از اتحادیه های بین المللی از کارگران بنگلادش، خود به اعتراض در کشورهای غربی به شرکت های پوشاک زنجیره ای و امتناع از خرید کالاهای این شرکت ها در میان مردم در غرب افزایش یافت. به این ترتیب، بر خلاف تصویری که میدیای غربی از اعتراضات اخیر بیان می کرد، کل جامعه بنگلادش به سرعت علیه دولت، علیه فقر و نابرابری و سرکوب بسیج شد. وسعت این موج گسترده به حدی رسید که دیگر نه دستگیری ها و نه به گلوله بستن تظاهرات کنندگان و نه حکومت نظامی که اعلام شده بود، تاب مقاومت نداشت و شیخ هسینا را فراری داد.

با فرار شیخ هسینا، ابتدا ارتش اعلام داشت که دولت موقت را برای «حفظ صلح» تشکیل می دهد. اما مردم معترض با ادامه تظاهرات های وسیع در همه جا، حاضر به قبول چنین دولتی نشدند. ارتش

عقب نشست. هیئت حاکمه سراغ همان راهی رفت که در سریلانکا دو سال پیش اجرا شد، بطوریکه همان وکلای مجلس دولت جدید تشکیل دهند. این هم مورد قبول مردم نبود. و قرعه به نام محمد یونس انجامید که در میان صف استقبال کنندگان وکلای مجلس و ارتش، و ... به عنوان مسئول دولت موقت معرفی شد. اینکه می توانند اوضاع را کنترل کنند و وضعیت حکومت را سر سامان دهند، هنوز مسلم نیست و خبرها حاکی از ادامه اعتراضات مردم، وجود تشکلات، کمیته های کار در یکسری از مراکز تولیدی است که دخالت نمایندگان خود در دولت آتی را خواهانند.

آنچه در حال حاضر و این هفته، چند روزی پس از سقوط دولت مسجل است، که جامعه، کارگران و خلاصه این مردم، اینبار در شرایط متفاوتی نسبت به گذشته قرار دارند. پنج دهه پیش، در دوره ای که اعتراضات در بنگلادش گسترده شد، بورژوازی موفق شد که کنترل اوضاع را با پرچم ملی، و با استقلال از پاکستان در سال ۱۹۷۱، بدست گیرد. اینبار، آن احزاب سنتی پرو چین و پرو روسیه آن دوره، که به پشتیبانی از این یا آن حزب حاکم و حضور در پارلمان بودند، دیگر اعتبار خود را کاملاً از دست داده اند و نقشی در اعتراضات کارگری اخیر علیه شرایط معیشت، علیه بی حقوقی و مبارزه برای زندگی بهتر و آزادی، نداشتند. شعارهای اخیر حول نیاز به حق تشکل خود کارگران، و خواست شرکت مستقیم در اداره کشور در میان معترضان این دوره وجود داشت. بهرحال جدا از اینکه تا چه حد این اعتراضات و حضور مردم ادامه می یابد، قدر مسلم، این دوره نشان داد که مردمی که اینبار، نه علیه «نیروی خارجی» بلکه علیه حکومت خودی به خیابان ها آمدند و توانستند دولت را پایین بکشند، احساس قدرت به مراتب بیشتری می کنند. و به همان اندازه طبقه کارگر و اکثریت وسیع مردم بنگلادش این بار با همین مهم مواجه هستند که برای پیروزی کامل، برای سرنگون کردن کل این حکومت بورژوازی، و فراتر رفتن از جایگزینی جناحی میان حکومت و بدست گرفتن اراده خود برای زندگی خود، طبقه کارگر به حزب طبقاتی خود در مقابل کل بورژوازی نیازمند است. این جدالی واقعی است که امروز در بنگلادش در جریان است.

یک خیر مقدم برای...

امروز لب و لوجه آویزان طبقه حاکم حول و حوش محاسبات اولیه دایر بر ۲۴ تن طلا در ده سال اولیه پر بیراه به نظر نمی رسد. این روپا از در بستر طبقاتی جامعه وارونه زاده شد. کارخانه؟ تولید؟ عکس منتهی از فضای «کارخانه» یک مستطیل در محاصره دیواره خاکریز و سیم خاردار از چند دستگاه سنگ شکن های صنعتی و آسیاب های گلوله ای و چند حوضچه شستشوی خاک طلا در محلول سیانید؛ فراتر نمی رود. تولید واقعی روی خاک معادن و توسط کارگران صورت خواهد گرفت. چیز زیادی در آمادگی لازم برای پذیرش معدنچیان به چشم نمی خورد. مراسم افتتاحیه و اخبار مربوطه نه از صنعت، نه از شکوفایی و رونق مطلقاً نشانی نمیتوان یافت. وزارت صنعت و معادن بجای خود، وزارت کار نیز در هیچ سطح زحمت حضور را بخود ندادند؛ در مقابل مشتکی از ماموران امنیتی، خبرچین و کاسه لیس سرکوب کارگری پذیرای جمع خبرنگاران گشتند. اگر کسی جوپای نشانی از امکانات کار و استراحت، امکانات رفاهی و امنیت کارگران آتی نشد، اما در میان مسئولین تامین، دادستانی و دستگاه قضایی جای تردید نگذاشتند که دادستانی و زندان های دور و نزدیک بسیج شده و آماده هستند: «دستگاه قضایی قطعاً و با قوت بر فعالیت معدن و کارخانه طلای تفتان و پیشگیری از تعطیلی آن، نگاه ویژه ای دارد و هرگز به افراد سودجو، مخالفان نظام و معاندان اجازه سنگ اندازی و جلوگیری از پیشرفت منطقه داده نمی شود.»

کسی از میان خبرنگاران نخواست بپرسد «ریش سفیدان» و «جمع معتمد محلی» دیگر چه مقوله ای است که قرار است به جای نمایندگان مستقیم و منتخب مردم و کارگران نظارت بر کارکرد معدن و مقامات دولتی را تحت نظارت قرار دهند؟

تا آنجا که به طبقه کارگر مربوط میشود کنترل بر شاهراگ دیگری از ثروت و اقتدار طبقه حاکم مستقیماً در حیطه اقتدار کارگری جامعه قرار میگیرد. در مقابل مقامات مربوطه نه از طلای نهفته در دل سنگهای انجیرک بلکه از کارگران اسیر قانون کار به هیجان در آمده اند.

گزارش مندرج در جملگی جراید صبح در گزارش مراسم افتتاح «انجیرک تفتان»؛ نمایشی تمام قد از بورژوازی حاکم بر ایران، فقط میتواند موجب شرمساری باشد. نقشه ریخته اند... دست اندرکاران دوا، شخصیت ها و مراجع تصمیم گیری گرد آورده اند تا از نقشه های آتی پرده بر دارند. منت میگذارند که با ایجاد فرصت های کاریابی تا ۶۰۰ نفر از اهالی بومی را بکار خواهند گرفت. همه رویای بهترین های تکنوکرات طبقه حاکم از بهره برداری ۲۴ تن طلا در سال از چرب کردن سبیل چند خرکچی «ریش سفید» و «معتمد محلی» و زور آزمایی واحد شلاق دادستانی برای تحمیل دستمزد زیر خط فقر فراتر نمی رود. آذین بندی افتتاحیه بزرگترین معادن طلای منطقه در دل جهنم دره فقر و توییدستی و بیکاری حاکم با خط و نشان «نگاه ویژه» در مقابل «افراد سودجو، مخالفان نظام و معاندان نظام» چیزی جز مقدمات رویای عالیجنابان در بالاکشیدن حق بیمه کارگر نیست.

در همان محدوده معادن از طلای سیاه، طلای سرخ، و طلای زرد؛ از نفت و گاز و پتروشیمی، تا تکاب و زرشوران، از تیتانیوم کهنوج تا مس سینگون؛ باندازه کافی از نیروی طبقه کارگر را در خود گرد آورده که در اولین گامهای استوار در اتحاد و همبستگی طبقاتی این بساط تحقیر و جبن حاکم بورژوازی در ایران را در هم بیچند. یک تشکل سراسری معدنچیان در ایران، زمانی که از موضع تعرض و تعیین تکلیف ظاهر شود، ورق را بر میگرداند. به چیزی کمتر از این نباید رضایت داد.

«اعتراضات» یا تحریکات نژادپرستانه در انگلستان!

تحریکات اخیر راست افراطی در برخی شهرهای انگلیس در واقع بازخورد سیاست‌های دولت و قوانین ضد انسانی تحمیل شده بر جامعه برای سرپوش گذاشتن بر بحران همه‌جانبه و وضعیت هیئت حاکمه در این کشور است.

احزاب پارلمانی اعم از لیبر و محافظه کار با تحمیل بیش از یک دهه ریاضت اقتصادی کمرشکن به طبقه کارگر و با ادامه آن تحت عنوان «برگزیت» و دامن زدن به انشقاق میان شهروند انگلیسی با غیر انگلیسی، همراه با سیاست‌های راست و افتراق آمیز حکومت، در واقع دلایل اصلی ابراز وجود این قارچ‌های سمی و نژادپرست در جامعه امروز انگلستان است.

گروکشی و حملات اخیر باندهای راست افراطی با چاقو و چماق به پناهجویان و رنگین پوستان در برخی شهرهای بریتانیا و اقدام به آتش زدن هتل‌ها و اماکن اقامت آنها، رعد در آسمان بی‌ابر نیست. رد پای این راسیسم علنی را باید در پارلمان و هیئت حاکمه انگلستان گرفت. خط و نشان کشیدن‌هایی که نمایندگان این راست افراطی در پارلمان بریتانیا هر روز علیه حضور شهروند رنگین پوست و غیر انگلیسی در این کشور میکشند، جرقه تحریکات نژادپرستانه در انگلستان را زده است. به جای پایان دادن به فقر و ریاضت اقتصادی کمرشکنی که به مردم انگلستان در طی این همه سال تحمیل شده است، به جای تیز کردن نوک حمله به سمت بانیان اصلی این اوضاع تحت نام «نمایندگان پارلمان» که معیشت شهروندان را گرو گرفته و زندگی را به مردم تنگ کرده اند، سر این بی‌عدالتی و نظم کثیف بورژوازی را به سمت رنگین پوستان و مهاجران بیگناهی کج کرده اند که در جستجوی یک زندگی امن به اینجا پناه آورده اند! قرار است همه آن منجلاپی که محصول حاکمیت طبقه بورژوا در انگلستان است، روی سر فقیرترین و آسیب پذیرترین قشر این جامعه خالی شود. جای شوریدن علیه این انگل‌های در حاکمیت و پارلمان را ظاهراً «اعتراضات انگلیسی تباران» علیه رنگین پوستان و مهاجران گرفته است. اما این تمام داستان نیست. دنیای وارونه و دروغینی است که سیاستمداران و رسانه‌های اصلی طبقه بورژوا دارند به خورد جامعه میدهند و از مهاجران و رنگین پوستان در مقابل تعرض کارگر و شهروند انگلیسی به برج و باروی پارلمان و حاکمیت بورژوازی شان استفاده میکنند.

امروز کل این حاکمیت ادعا می‌کند که مشکل اصلی و بانی کل این تهاجم، «اخبار جعلی» و «اطلاع‌رسانی کاذب» در فضای مجازی است! جناب لرد والنی (مشاور دولت لیبر در امور خشونت سیاسی) رسماً اعلام کرده است که «ایران و روسیه» در این خشونت دست داشته‌اند. آنها با جا زدن خود به نام شهروندان انگلیسی، و بکارگیری فضای مجازی، به خشونت جاری دامن زده‌اند! گویا جنون و نژادپرستی که افسار در خیابانها ول شده و منازل پناهجویان را به آتش میکشد و عزم کرده مردم منتسب به «مسلمان» را پاکسازی کند، تحت تاثیر «اخبار و اطلاعات جعلی» بوده است. این نه تنها توهین به شعور جامعه است، بلکه رها کردن کامل افسار فاشیست‌ها و نیروهای اولترا راست است که در حمله به مردم و آتش زدن محل سکونت شان هیچ آبیایی به خود راه ندهند. مهم تر اینکه، اینها آمده‌اند که تر و خشک را با هم بسوزانند! تصور کنید حتی اگر یک پناهجو جرمی مرتکب شده باشد ظاهراً باید در قاموس فاشیست‌ها همه پناهجویان و رنگین پوستان را مجازات جمعی کرد؛ این همان سیاستی است که امروز دولت فاشیست اسرائیل در کشتار جمعی مردم فلسطین گوی سبقت را از همه ربوده است و از قضا مورد حمایت همین احزاب پارلمانی و کل حکومت در انگلستان است. بی‌جهت نیست که تبلیغات راسیستی کل احزاب پارلمانی علیه «هجوم مهاجرین» و داد و بیدادهای شان بخصوص در دوره انتخابات اخیر که «کنترل مهاجرت مسئله اصلی مردم رای دهنده است» و پمپاژ روزمره سیاست‌های تفرقه

آمیزشان حول «انگلیسی تبار بودن»، ناگهان زیر فرش می‌رود و مشکل سر از «توطئه» ایران و روسیه در می‌آورد!

علاوه بر این، در همین چند روز سخنگویان دولتی یکی پس از دیگری بالای منبر رفته‌اند تا از این فرصت استفاده کنند و کل میدیای غیر رسمی را بیش از پیش محدود کنند. بار دیگر فرصتی پیدا کرده‌اند تا همچنان بر طبل «عدم کنترل» و «بی‌بند و باری» فضای مجازی بکوبند و مسیر وضع قوانین گسترده تر جهت تحمیل سانسور در این شبکه‌ها را هموار کنند. اما در مقابل تبلیغات دروغین سیاستمداران و رسانه‌های رسمی درباره نژادپرستی امروز در جامعه بریتانیا، ما شاهد یک مقاومت وسیع و قدرتمند در پایین جامعه هم هستیم؛ بریتانیا همان جامعه‌ای است که برای دفاع از مردم فلسطین ده ماه است که آرام و قرار ندارد؛ اتحادیه‌های کارگری، رهبران و پیشروان آزادیخواه و ضد فاشیسم ماه‌هاست که مردم را فارغ از هر رنگ و نژاد و مذهبی در دفاع از مردم فلسطین بسیج کرده‌اند و زمین را زیر پای حاکمیت بریتانیا که مدافع نسل‌کشی دولت فاشیست اسرائیل است، به لرزه درآورده‌اند و مسبب و عامل اوضاع نابسامان مردم را حاکمیت طبقه بورژوا و مناسبات سرمایه‌داری میدانند. این همبستگی و خودآگاهی و این موج متمدن و انساندوست در میدان را نمیتوان با تحریکات سیاستمداران در پارلمان و مزدورانشان در کوچه پس‌کوچه‌ها خواباند. درست همانگونه که پاسخ راست افراطی و فاشیست در اسرائیل را مردم متمدن انگلستان و سایر نقاط اروپا با موج عظیم تظاهرات و اعتصاباتشان دادند، به طور قطع حساب این راست افراطی «خودی» را هم کف دستشان خواهند گذاشت. موجی که برای رفاه و آزادی و برابری و خوشبختی در انگلستان به میدان آمده است مقهور این پارازیت‌های نژادپرستانه «وطنی» نمیشود. طبقه کارگر در مقابل تحریکات اخیر راست افراطی در انگلیس که پناهجویان را هدف قرار داده و مشغول کاشت تخم نفاق در صفوف طبقه کارگر در بریتانیا است، می‌ایستد و مقهور نمیشود. رهبر اتحادیه کارگران حمل و نقل قطار انگلیس، مایک لینچ، در سخنانی به صراحت اعلام کرد:

«ما یک طبقه واحد هستیم که در یک مبارزه واحد، حضور داریم. ما باید در هر مقطع زمانی با این راست مبارزه کنیم. هر نسل از طبقه کارگر در هر مقطعی بارها و بارها علیه این راست مبارزه کرده است. ما در دهه ۳۰ میلادی با آنها مبارزه کردیم، در دهه ۵۰ با آنها جنگیدیم و در دهه ۷۰ با آنها در انگلستان مبارزه کردیم. امروز هم اجازه نخواهیم داد که این حاکمیت دست راستی، میان طبقه کارگر و شهروندان ما بعنوان یک تن واحد، با حربه «ملیت» و «نژاد» و «مذهب» تفرقه و تفکیک ایجاد کند. مهم نیست کجا به دنیا آمده ایم؛ ما طبقه کارگر از ایرلند و انگلیس تا اروپا و همه جا، یکی هستیم و در یک مبارزه واحد می‌جنگیم!»

با استناد به سخنان مایک لینچ پر واضح است که تحریکات اخیر راست افراطی فقط یک تعرض به پناهجویان نیست، بلکه یک سیاست رسمی است که نمایندگان آن همین امروز در پارلمان انگلستان حضور دارند و برای ایجاد تفرقه و تضعیف همبستگی طبقه کارگر خط و نشان می‌کشند. باید در مقابل این سیاست ارتجاعی ایستاد. برای مقابله با پروپاگاندهای نژادپرستانه باید متحد شد و با قدرت طبقاتی آن را از عرصه سیاست و اجتماع ایزوله کرد و ریشه روایاتی که بجای پرداختن به اصل قضیه، دنبال دامن زدن به تحریکات نژادپرستانه و تفرقه در صفوف شهروندان هستند را خشکاند.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) متعهد به پیام طبقه کارگر در دفاع از عدالت، برابری و همبستگی است. ما همصدا با مردمی که علیه این حملات فاشیستی بپا خاسته‌اند، همه آزادیخواهان و برابری طلبان در بریتانیا را به زیر پرچم یک مبارزه متحدانه و سراسری فرامی‌خوانیم.

واحد لندن

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

۷ اوت ۲۰۲۴

پخش برنامه‌های نینا از کانال یک

برنامه‌های نینا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A
12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A
10721 افقی 22000

hekmatist.com

تماس با حزب

 @Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللهی

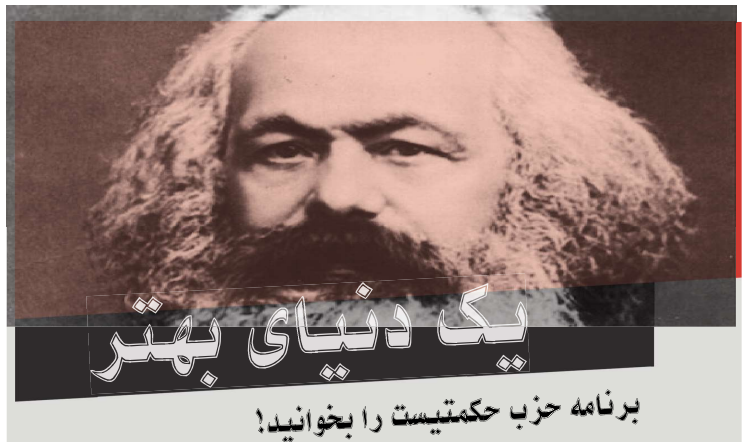
برابری

برابری، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابر در امکانات مادی در دسترس به ابزاری، های ارتقا و شکفتن استعداد های فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداری جامعه خود، برابری در بهره مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فائق آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود، برابری که تنها با در هم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسانهای سهم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.



صدای آزادی، صدای برابری

نینا



برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!